

## چالش‌های اجرای دادرسی الکترونیکی در حقوق ایران از منظر دادرسی عادلانه و حقوق اصحاب دعوا\*

اسماعیل وجدانی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد ساری

سام محمدی\*\*

استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران بابلسر ایران

سید حسن حسینی مقدم

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران بابلسر ایران

### چکیده

هر اندازه قوانین در اجرا، نظام‌مندتر و با سرعت متعارف و منطقی توأم باشد، احساس امنیت قضایی و اعتماد جامعه به دستگاه قضا بیشتر خواهد شد. بر این اساس، لازم است تا دستگاه قضایی از فناوری الکترونیکی و وسایل ارتباطی نوین در امر قضا و اطلاع‌رسانی، مدد جوید و به‌کارگیری این ابزار تا حدی باشد که جایگزین قضاوت که امر انسانی است، نشود یا اعمال آن از اصل مقررات آیین دادرسی پیشی نگیرد. به‌طور کلی حقوق نباید دنباله‌رو فناوری باشد، بلکه فناوری باید در خدمت حقوق باشد و اجرای دادرسی الکترونیکی با همه مزایای آن، بدون سازگاری با برخی اصول قانون آیین دادرسی مدنی صورت گرفته است. بر این اساس دستگاه قضایی و اصحاب دعوا با چالش‌های مربوط به طرح دعوا (شامل دادخواست، منضمات، هزینه دادرسی و ارسال دادخواست به مرجع قضایی)، ابلاغ (شامل نحوه ابلاغ الکترونیکی و انواع آن) و رسیدگی الکترونیکی دعوا (شامل رعایت نکردن اصول دادرسی در تحقیق از اصحاب دعوا، رعایت نکردن مقررات شهادت شهود و ارائه اصول اسناد) مواجه است. علاوه بر موارد مذکور، رویکرد اجباری بودن مقررات دادرسی الکترونیکی در نظام حقوقی ایران، خالی از اشکال نیست و با اصل عدم تبعیض و برابری اصحاب دعوا و عدالت آیینی و نیز اصل علنی بودن دادرسی سازگاری ندارد. از این رو اختیاری کردن دادرسی الکترونیکی از سوی اصحاب دعوا یا تفکیک دعاوی به‌منظور پیش‌بینی الکترونیکی بودن دادرسی در برخی دعاوی مانند دعاوی تجاری یا رسیدگی به شکل سنتی در خصوص دعاوی مانند دعاوی خانوادگی، مفید فایده به‌نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: اختیاری دادرسی الکترونیکی، چالش‌های حقوقی، دادرسی الکترونیکی، دادرسی عادلانه.

\* مقاله حاضر برگرفته از رساله دوره دکتری با عنوان «چالش‌های حقوقی در دادرسی الکترونیکی» می‌باشد.

Email: sammhmd@yahoo.com

\*\* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۸ بهمن ۱۳۹۹، تاریخ تصویب: ۱۵ شهریور ۱۴۰۰

DOI: 10.22059/JLQ.2021.316541.1007486

© University of Tehran

## ۱. مقدمه

مهم‌ترین رسالت دادگستری، حل و فصل دعاوی‌ای است که برای رسیدن به این هدف، علاوه بر وجود قوانین ماهوی، به وجود مقررات تعیین‌کننده شکل و نحوه رسیدگی به دعاوی نیاز است؛ به این قواعد، آیین دادرسی گفته می‌شود. آیین دادرسی برخلاف قوانین ماهوی، براساس مقتضیات زمان و مکان و شرایط و امکانات موجود در جامعه و همراه با رشد فناوری دستخوش تغییرات می‌شود. به همین سبب با وجود تصویب قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۱۳۷۹، مقنن و به تبع آن قوه قضاییه، به سبب ناکارآمدی، درصدد تغییر مجدد قانون برآمده است تا بتواند هزینه گزاف دادرسی بر افراد جامعه و قوه قضاییه را کاهش دهد و اطلاع دادرسی را به حداقل برساند که این تلاش‌ها در سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی تبلور یافته است و برآیند آن زدودن تشریفات زائد از آیین دادرسی است و به دو صورت «تشریفات‌زدایی حقوقی» و «تشریفات‌زدایی مادی» در حال شکل‌گیری است. مورد اخیر با اتکا به فناوری روز (الکترونیک و وسایل ارتباطی) از سیستم دادرسی سنتی که متکی به نیروی انسانی است، فاصله گرفته است. تا اینکه، مقنن به منظور الکترونیکی کردن دادرسی با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۶۴۹ به بعد و نیز قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی در مورخ ۱۳۹۳/۷/۸<sup>۱</sup> و سپس با تصویب آیین‌نامه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۲۵ از سوی رئیس قوه قضاییه گام مهمی به منظور الکترونیکی شدن دادرسی برداشته است که با ملاحظه ماده ۱۷۵ قانون یادشده، می‌توان گفت در دادرسی‌های مدنی نیز اعمال‌شدنی است. با آنکه هنوز قانون جامعی در زمینه دادرسی الکترونیکی وضع نشده است، لیکن بسیاری از مقررات دادرسی از طریق فرایند الکترونیکی انجام می‌گیرد. البته با فرض وضع مقررات جامع آیین دادرسی الکترونیکی، انجام تمامی مراحل دادرسی به صورت الکترونیکی محل بحث بوده و چالش‌های پیش روی این شیوه رسیدگی چگونه تأمین‌کننده حقوق اصحاب دعواست؟ در پاسخ باید گفت که آنچه «الکترونیکی» می‌شود، «دادرسی» است؛ همان حق تظلم‌خواهی افراد که قانون اساسی بر آن صحه گذاشته است. از این رو سامانه باید بر مدار «حقوق» باشد، نه فناوری اطلاعات و توانایی مهندسان امر. قوه قضاییه در الکترونیکی کردن دادرسی، چنان با شتاب در حال پیشروی است که موجب متروک ماندن برخی مقررات شده است؛ بدون آنکه قانون جدیدی جایگزین آن شود و مشکلات پیش رو را مرتفع سازد. در مواردی به جای ارائه خدمات الکترونیکی، در جایگاه قاضی دادگاه و کادر دفتری و مرتبطان پرونده تصمیم می‌گیرد و از اعمال اصول دادرسی و تضمین‌کننده حقوق مکتسبه اشخاص غافل مانده و از اهداف کمک به امر دادرسی

۱. به نقل از روزنامه رسمی شماره ۲۰۲۹۷.

دور می‌شده است. اصحاب دعوا در اختیاری یا اجباری بودن دادرسی الکترونیکی نقشی ندارند. شیوه اختیاری بودن دادرسی الکترونیکی در محاکم فرانسه اعمال می‌شود و انتخاب دادرسی الکترونیکی یا تبادل اطلاعات الکترونیکی باید با رضایت اشخاص بوده و حتی رضایت اعلامی از سوی اصحاب دعوا نیز قابل عدول است. از این رو سامانه سمپ<sup>۱</sup> باید طوری طراحی شود تا هم مقررات نادیده گرفته نشود و هم خدمات الکترونیکی فراتر از قانون، وارد دادرسی نشود. چون اصل و هدف دادرسی است، پس، آیین آن را نباید بدون ضرورت دستخوش تحولاتی ناکارآمد کرد. بر این اساس اهم چالش‌های پیش رو در دادرسی الکترونیکی نقد و سعی می‌شود با بررسی مقررات و رویه‌ی مربوط، تأثیر دادرسی الکترونیکی در فراهم ساختن بستر دادرسی عادلانه و تأمین حقوق اصحاب دعوا سنجش و در حد بضاعت راه‌حلهایی منطقی و قانونی ارائه شود.

## ۲. چالش‌های مربوط به طرح دعوا

به موجب تبصره ۲ ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی و مواد ۱ تا ۳ آیین‌نامه خدمات الکترونیک قضایی، تقدیم دادخواست و پیگیری امور قضایی از طریق دفاتر خدمات قضایی یا اسناد رسمی با استفاده از سامانه‌های الکترونیکی و مخابراتی صورت می‌گیرد که اهم نواقص و چالش‌های مربوط به آن مانند هزینه‌های مضاعف، محدودیت در ثبت دادخواست و چالش‌های مربوط به درخواست‌های فوری به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

### ۲.۱. تحمل هزینه‌های مضاعف

دادخواهی در ایران برخلاف برخی خدمات عمومی رایگان، مانند آموزش و پرورش، برقراری امنیت و... علی‌الاصول مستلزم پرداخت هزینه است که توسط خواهان تحت عنوان «هزینه دادرسی» پرداخت می‌شود. هزینه دادرسی براساس ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین و اصلاحات بعدی و نیز بخشنامه مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۸ رئیس قوه قضاییه تعیین می‌شود (شمس، ۱۳۹۸: ۵۵). اما با توجه به الکترونیکی شدن بسیاری از خدمات قضایی، اشخاص مکلف‌اند حسب مورد، هزینه دفاتر خدمات قضایی یا اسناد رسمی را که به موجب تبصره ۲ ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی عهده‌دار این امر هستند، طبق ماده ۲۳ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، براساس تعرفه تعیین شده از سوی کانون دفاتر خدمات الکترونیک قضایی پردازند.

۱. سامانه مدیریت پرونده قضایی.

هرچند پرداختی مزبور به حساب دولت نیست، اما خدمات ارائه شده توسط این دفاتر تا پیش از این بخشی از وظایف دولت بوده و ماده ۶۵۵ قانون مذکور و تبصره‌های آن نیز تکلیف به پرداخت هزینه‌های دفاتر را پیش‌بینی نکرده است و اساساً آیین‌نامه هم نمی‌تواند بدون هیچ بستر قانونی اصحاب دعوا را مکلف به پرداخت وجهی کند. از این رو با توجه به اینکه دفاتر بخشی از کار دادگستری را بر عهده گرفته‌اند، شایسته است پرداخت هزینه دفاتر نیز از سوی دولت صورت گیرد یا هزینه دادرسی هر پرونده به نسبت کاسته شود.

تمییز دعاوی مالی از غیرمالی ایراد دیگر در این زمینه است، به گونه‌ای که سیستم سبب برای اخذ هزینه دادرسی و تشخیص صلاحیت دادگاه اعم از ذاتی و محلی و تشخیص مرجع اعتراض، دعاوی را به مالی و غیرمالی تعریف و تفکیک کرده است. برای تشخیص خواسته مالی یا خواسته غیرمالی ضابطه و ملاک دقیقی از جانب مقنن بیان نشده و مصادیق آن احصا نشده است. به همین سبب، در تشخیص دعاوی مالی و غیرمالی اختلاف فراوانی به چشم می‌خورد (بهرامی، ۱۳۹۲: ۱۷۴). برخی اوقات، چنین دسته‌بندی‌ای مورد قبول قضات نیست و همین مسئله مشکلات عدیده‌ای را برای خواهان ایجاد می‌کند. در رویه به دفعات اتفاق افتاده که دفاتر خدمات قضایی، موضوع خواسته را دعوی مالی دانسته و هزینه دادرسی دعاوی مالی را از خواهان اخذ کرده‌اند، درحالی‌که دادگاه آن را دعوی غیرمالی تشخیص داده و چون وجوه پرداختی به حساب خزانه دولت واریز شده است، استرداد آن به خواهان میسر نیست و جبران خسارت خواهان نیز غیرممکن می‌شود.

## ۲.۲. محدودیت در ثبت دادخواست

اگر بگوییم تعیین عنوان خواسته در دادخواست از مهم‌ترین و فنی‌ترین بخش دادخواست است، سخن گزافی نیست، چراکه محدوده رسیدگی به دعوا حول محور خواسته صورت می‌گیرد. مطابق بند ۳ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی بر عهده خواهان قرار دارد و او نیز نوع و میزان خواسته را براساس تعرض صورت گرفته بر حقوق خویش با معیارهای حقوقی تعیین می‌کند. اما در سیستم دادرسی الکترونیکی فعلی خواسته‌ها به صورت پیش فرض و به تعداد محدود در نظر گرفته شده که این محدودیت موجب شده است تا خواهان‌ها و به خصوص وکلا قادر به تعیین عناوین خواسته براساس اندیشه حقوقی خود نباشند و صرفاً مکلف به تعیین خواسته مطابق موارد تعریف شده در سیستم هستند. در این صورت اگر عنوان خواسته مورد نظر در سیستم موجود نباشد، خواهان ناگزیر است خواسته خود را مشابه یکی از موارد تعریف شده در سیستم تعیین کند تا در اولین جلسه دادرسی با استفاده از نهاد «تغییر خواسته» خواسته مورد نظر خود را درخواست کند که در صورت از دست رفتن این فرصت ممکن است

دعوی خواهان رد شود یا برخلاف مقصود خواهان حکم صادر شود که چنین رویه‌ای مغایر اصول دادرسی<sup>۱</sup> و عدالت و انصاف است. به نظر می‌رسد علاوه بر خواسته‌های تعریف‌شده در سیستم سمپ، امکان درج خواسته‌های موردنظر خواهان مفید فایده باشد، زیرا علاوه بر تأمین مقصود خواهان، موجب خلق عناوین جدید حقوقی و ارائه اندیشه‌های نوین حقوقدانان در میدان عمل شده و این امر مغایرتی با دادرسی الکترونیکی ندارد.

محدودیت دیگر در ثبت دادخواست به صورت الکترونیکی، عدم ثبت دادخواست ناقص است، درحالی‌که مطابق ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مراجع قضایی مکلف به پذیرش تمامی دادخواست‌ها اعم از کامل و ناقص هستند. سیستم الکترونیکی ثبت دادخواست‌ها به نحوی طراحی شده‌اند که در صورت وجود برخی نواقص، دادخواست قابل ثبت نیست. به طور مثال برای دریافت هزینه دادرسی، سامانه‌ای به سیستم اتوماسیون نصب شده و آن را به طور خودکار محاسبه می‌کند و تا زمانی که هزینه کاملاً پرداخت نشود، دادخواست ثبت نمی‌شود و چنانچه منضمات دادخواست ناقص باشد در صورت ارسال آن به دادگستری، با توجه به نبود سازوکار قانونی مناسب، طبق رویه معمول مورد پذیرش معاونت ارجاع قرار نمی‌گیرد و به منظور رفع نقص، به دفتر خدمات قضایی مربوطه عودت داده می‌شود. در عمل دفاتر خدمات قضایی تکالیف مدیر دفتر شعبه دادگاه را عهده‌دار شده و اقدام به اعلام نقص و رفع آن به صورت سلیقه‌ای در پرونده‌ها و آن هم با تماس تلفنی انجام می‌دهند (السان، ۱۳۹۶: ۱۱۳). درحالی‌که وفق مقررات آیین دادرسی مدنی دفاتر دادگاه‌ها مکلف به ثبت دادخواست ناقص بوده و شیوه رفع نقص آن نیز در نظر گرفته شده است. در مورد مذکور به نظر می‌رسد اعمال مقررات آیین دادرسی مدنی یعنی الزام به ثبت و ارسال تمامی دادخواست‌ها حتی ناقص به دادگستری، با حقوق خواهان سازگارتر باشد.

### ۲.۳. عدم تعیین سازوکار مناسب و تأمین‌کننده درخواست‌های فوری

مواردی که تعیین تکلیف فوری برخی درخواست‌ها ضروری است خواهان پیش از طرح دعوا یا ضمن آن یا در اثنای رسیدگی تا پیش از صدور رأی می‌تواند از دادگاه درخواست دادرسی فوری و صدور دستور موقت کند، چنانچه دادگاه تقاضا را موجه تشخیص دهد و فوریت امر را احراز کند، دستور موقت صادر خواهد کرد (نویخت، ۱۳۹۳: ۳۵۷). در این صورت درخواست باید از

۱. آن دسته قواعد کلی و راهنمایی هستند که نظم، عدالت و انصاف را در درون مقررات آیین دادرسی قرار داده و به دادرسی، موضوع و عناصرش جهت درست می‌دهند، خواه این نظم، عدالت و انصاف ریشه در متنی قانونی داشته باشد و خواه هنجاری برون یا فراقانونی همچون عرف و رویه قضایی باشد، یا معاهده یا کنوانسیون بین‌المللی که سعی می‌کند حقوق دادرسی کشورها را به سمتی خاص هدایت کند. (محسنی، ۱۳۸۹: ۳۶۸-۳۵۸).

فوریت لازم برخوردار باشد، به نحوی که اگر دستور موقت در خصوص آن صادر نشود، امکان حفظ وضعیت موجود در آینده ممکن نباشد (مهاجری، ۱۳۷۸: ۲۱۱). خواهان برای درخواست صدور دستور موقت مطابق مواد ۳۱۰ تا ۳۲۵ ق.آ.د.م، همانند سایر دعاوی که پیش از این بیان شده است، ملزم به مراجعه دفاتر خدمات قضایی است تا درخواست مزبور از سوی دفتر به دادگستری ارسال و سپس به شعبه ارجاع شود. انجام این روند اتلاف وقت را در پی دارد و با فوریت امر سازگار نیست. از این رو موجب تضییع حقوق احتمالی اشخاص می‌شود. این ایراد زمانی بیشتر نمایان می‌شود که مطابق ماده ۳۱۴ ق.آ.د.م حتی در اوقات تعطیل نیز می‌توان به مسئله یادشده رسیدگی کرد. در حالی که دادگستری درخواست‌های خارج از سмп را نمی‌پذیرد و دفاتر خدمات قضایی هم در غیر ساعات اداری و ایام تعطیل، عملاً فعالیت ندارند و مراجعه به آنها امکان‌پذیر نیست. در این مورد به نظر می‌رسد قبول درخواست‌های فوری از سوی دادگستری بدون وجود هیچ عامل دیگری نیز مورد پذیرش قرار گیرد یا اینکه بخشی از دفاتر خدمات قضایی در اصطلاح به صورت کشیک آماده ثبت و ارسال چنین درخواست‌هایی به مراجع قضایی باشند.

### ۳. چالش‌های مربوط به ابلاغ

اطلاع اصحاب دعوا از تصمیمات و احضارهای دادگاه اهمیت ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که در برخی موارد مانند دعوت به جلسه رسیدگی اگر ابلاغ در چارچوب قانون صورت نگیرد، باطل بوده و حتی دادرسی انجام‌گرفته نیز فاقد اعتبار قانونی است. سرعت، امنیت در ابلاغ اوراق و صرفه‌جویی در هزینه‌های دستگاه قضایی از جمله مزیت‌های ابلاغ الکترونیکی است و به‌خصوص با توجه به شرایط کنونی ناشی از شیوع ویروس کووید ۱۹، اهمیت به‌کارگیری دادرسی الکترونیکی بیش از پیش احساس می‌شود. لیکن شیوه ابلاغ الکترونیکی در نظام حقوقی ایران دارای اشکالات اساسی از جمله نحوه ابلاغ واقعی، ابلاغ به اشخاص حقیقی دارای وضعیت خاص، ابلاغ اشخاص حقوقی و ابلاغ از طریق نشر آگهی، است که ذیل این مبحث به‌صورت جداگانه بررسی خواهد شد. از این رو قضات آمریکایی گرایش چندانی به سیستم‌های ابلاغ الکترونیکی ندارند، با این استدلال که مسئله ابلاغ در نظام قضایی آمریکا سنگ بنای دادرسی عادلانه محسوب می‌شود و از آنجا که اطلاع خواننده از اقامه دعوا اهمیت زیادی دارد و قضات باید اطمینان حاصل کنند که ابلاغ به دست خواننده رسیده است ([www.dmlp.org.reviewin:2020/3/5](http://www.dmlp.org.reviewin:2020/3/5)).

### ۳.۱. نحوه ابلاغ الکترونیکی و دشواری ابلاغ واقعی

ابلاغ الکترونیکی با ایجاد حساب کاربری از سوی قوه قضاییه صورت می‌گیرد که ماده ۹ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۲۴ تمامی اصحاب دعوا، وکلا، نمایندگان قانونی، کارشناسان و دیگر اشخاص مرتبط با پرونده قضایی باید دارای حساب کاربری باشند. مطابق تبصره ۲ ماده ۱۰ آیین‌نامه مرقوم در صورتی که مخاطب فاقد تلفن همراه و پست الکترونیک باشد، مرکز موظف است پست الکترونیکی ملی برای مخاطب ایجاد کند تا اطلاع‌رسانی ابلاغ از طریق آن انجام پذیرد و به موجب ماده ۱۳ آیین‌نامه مذکور و ماده ۸ آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی، وصول الکترونیکی اوراق قضایی به حساب کاربری مخاطب، ابلاغ محسوب می‌شود. بنابراین به محض وصول اوراق قضایی به حساب کاربری، ابلاغ تلقی می‌شود و ارسال پیامک یا پست الکترونیکی صرفاً به منظور اطلاع ابلاغ‌شونده از ابلاغ در حساب کاربری است و فاقد اثر حقوقی است. ابلاغ موصوف ایراداتی دارد؛ اول اینکه ظاهراً با وحدت ملاک از قانون آیین دادرسی مدنی، صرف وصول موضوع ابلاغ به حساب کاربری، ابلاغ‌شده فرض می‌شود که فاقد مبنای قانونی است؛ دوم اینکه اشخاص مکلف به داشتن تلفن همراه و اینترنت بوده و نیز هر روز ملزم به مشاهده حساب کاربری خویش هستند. در این خصوص برای جلوگیری از اجبار مردم به سمت فضای مجازی راهکار مناسب این است که ارسال داده‌پیام به‌عنوان ابلاغ با وسایل ارتباطی مثل تلفن همراه از تکالیف دادگستری بوده و جزء ابلاغ محسوب شود و این نحوه ابلاغ، با فرض ابلاغ، به واقع نزدیک است.

از سوی دیگر، ابلاغ واقعی در صورتی است که برگ موضوع ابلاغ، طبق تشریفات قانونی، به شخص مخاطب در اشخاص حقیقی یا هر شخص مجاز در اخذ اوراق قضایی در اشخاص حقوقی، توسط مأموری که قانوناً مسئول اجرای امر ابلاغ بوده، تحویل دهد و رسید دریافت شده و مراتب به دفتر دادگاه گزارش شود (شمس، ۱۳۹۸: ۸۲). اما نحوه ابلاغ واقعی در دادرسی الکترونیکی به موجب ماده ۱۳ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و ماده ۸ آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی، وصول الکترونیکی اوراق قضایی به حساب کاربری مخاطب در سامانه ابلاغ، ابلاغ محسوب می‌شود. رؤیت اوراق قضایی در سامانه ابلاغ، با ثبت زمان و سایر جزئیات، ذخیره می‌شود و تمامی آثار ابلاغ واقعی بر آن مترتب می‌گردد. ورود به سامانه ابلاغ از طریق حساب کاربری و رؤیت اوراق از این طریق به‌منزله رسید است. با توجه به مراتب مذکور مشکل در جایی نمود پیدا می‌کند که بعضی اوقات، ابلاغ واقعی الزامی است. به‌طور مثال در تبصره ۱ ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۰۷ چنانچه محکوم‌علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت تمامی

اموال خود، دعوی اعسار خود را اقامه کند، هر گاه محکوم‌له آزادی وی را بدون تأمین بپذیرد یا محکوم‌علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم‌به ارائه کند، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم‌علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می‌کند. در صورت رد دعوی اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه‌گذار ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ واقعی نسبت به تسلیم محکوم‌علیه اقدام کند. در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور حسب مورد به دستور دادستان یا رئیس دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجرا می‌شود، نسبت به استیفای محکوم‌به و هزینه‌های اجرایی از محل وثیقه یا وجه‌الکفاله اقدام می‌شود. در این مورد دستور دادگاه ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ واقعی قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است. وثیقه‌گذار یا کفیل مطابق ماده ۱۱ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی و ماده ۹ آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیکی قضایی موظف به ثبت ثنا و دریافت حساب کاربری است و با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۳ آیین‌نامه اخیر بیان می‌کند: «خودداری از مراجعه به سامانه ابلاغ، به منزله استنکاف از قبول اوراق قضایی موضوع ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی محسوب می‌گردد» و اگر وثیقه‌گذار یا کفیل از موضوع ابلاغ که تسلیم محکوم‌علیه است، به‌طور عمد یا سهو از مشاهده آن خودداری کند، در آن صورت این بخش از مقررات که نیازمند ابلاغ واقعی است، غیرقابل اجرا باقی می‌ماند. لیکن معاون پژوهش، برنامه‌ریزی و نظارت مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه در بخشنامه شماره ۹۵۵۰/۱۵۹۷۶/۹۰۰۰ به تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۷ بیان داشته است:<sup>۱</sup> «با مستفاد از ماده ۲۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری، استنکاف از مشاهده اوراق ابلاغ برای صدور ضبط کافی است».<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد که چنین برداشتی از قانون اجتهاد در مقابل نص است و تضييع حقوق آشکار اشخاص است. از این‌رو پیشنهاد می‌شود با اجرای اختیاری دادرسی الکترونیکی اشخاصی که با اراده خویش چنین دادرسی‌ای را می‌پذیرند، مکلف به مشاهده اوراق قضایی قرارگرفته در حساب کاربری خود هستند که می‌توان ابلاغ‌های صورت‌گرفته در مورد این اشخاص را واقعی فرض کرد یا در مواردی که ابلاغ واقعی ضروری است، به شکل سنتی انجام گیرد.

۱. درگاه خدمات الکترونیک قوه قضاییه، پیشین.

۲. در پرونده کلاسه ۹۷۰۶۹۴ از شعبه اول اجرای احکام مدنی شهرستان آمل جهت توقیف مورد ضمانت اعمال تبصره ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی صرفاً با ارسال موضوع ابلاغ در حساب کاربری را ابلاغ واقعی تلقی کرده و دادرسی اجرای احکام مدنی جهت توقیف مال مورد وثیقه پرونده را به شعبه صادرکننده اجراییه ارسال کرده است.



### ۳.۲. مشکلات ابلاغ به اشخاص حقیقی دارای وضعیت خاص (کارکنان دولت و زندانیان)

مطابق تبصره ۱ ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی «ابلاغ اوراق در هریک از محل سکونت یا کار به عمل می‌آید. برای ابلاغ در محل کار کارکنان دولت و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و شرکت‌ها، اوراق به کارگزینی قسمت مربوط یا نزد رئیس کارمند مربوط ارسال می‌شود...». با ارسال اوراق قضایی در حساب کاربری به صورت ابلاغ الکترونیکی مفاد این تبصره منتفی است. از این حیث اجرای حکم ماده مذکور منتفی شد. همچنین نحوه ابلاغ به زندانی و بازداشتی در ذیل ماده ۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی مشخص شده و مقرر داشته است در صورتی که خواننده در بازداشتگاه یا زندان باشد، دادخواست و اوراق دعوا توسط اداره زندان به نامبرده ابلاغ خواهد شد. در سامانه ابلاغ در ماده ۱۹ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه رایانه‌ای و مخابراتی و تبصره ۲ آیین‌نامه ارائه خدمات قضایی ابلاغ به زندانی‌ها و بازداشتی‌ها از طریق حساب کاربری زندان یا بازداشتگاه‌ها انجام می‌گیرد. در رویه چون زندانی ثبت ثنا شده است، اختیاریه به شماره کاربری آنان ارسال می‌شود و برای اینکه زندانیان یا بازداشتی‌ها اغلب به تلفن همراه یا سامانه‌ها دسترسی ندارند، عملاً از ابلاغ اوراق دعوا بی‌اطلاع‌اند. ابلاغ به بازداشتی یا زندانی از طریق زندان زمانی به‌طور سیستمی به‌نحو مذکور میسر است که شعبه معرفی‌کننده، اوراق مربوط به همان پرونده را به بازداشتگاه یا زندان ارسال کند. اما ممکن است مرجعی که شخص را به زندان معرفی کرده باشد بتواند از طریق زندان ابلاغ کند، ولی اگر شخص زندانی پرونده‌های متعددی در مراجع قضایی متعددی داشته باشد، در این صورت اوراق به حساب کاربری زندانی ارسال می‌شود و به دلیل دسترسی نداشتن به تلفن همراه یا اینترنت، از ابلاغ اوراق دعوا بی‌اطلاع می‌ماند. ای‌بسا این مسئله ممکن است به ناحق موجب از دست رفتن حقوقی مانند اعتراض و تجدیدنظر شود. از این رو پیشنهاد می‌شود برای زندانیان قابلیت دسترسی به حساب کاربری آنها و ملاحظه ابلاغیه‌ها فراهم شود.

### ۳.۳. مشکلات ابلاغ الکترونیکی اشخاص حقوقی

به موجب ماده ۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی ابلاغ به اشخاص حقوقی حقوق عمومی به رئیس دفتر مرجع مخاطب یا قائم‌مقام او صورت می‌گیرد و این ابلاغ، واقعی محسوب می‌شود. در صورت امتناع از دریافت اوراق قضایی از سوی اشخاص یادشده، ابلاغ، قانونی است (حیاتی، ۱۳۹۰: ۱۳۲ و ۱۳۷). ولی نحوه ابلاغ در سامانه ابلاغ متفاوت است، زیرا ماده ۲۱ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مقرر داشته است که اداره ثبت شرکت‌ها موظف است با همکاری مرکز، در زمان ثبت اولیه یا تغییرات، نسبت به ثبت نام اشخاص حقوقی در سامانه ثنا به‌منظور دریافت حساب کاربری اقدام کند. در ماده مرقوم ذکری از کسانی که مکلف

به مشاهده ابلاغ اوراق قضایی به نمایندگی از شخص حقوقی باشند، قید نشده است و آیا چنین ابلاغی صحیح است یا خیر؟ معاون آمار و فناوری اطلاعات دادگستری کل استان مازندران طی دستورالعمل شماره ۴۲۶/۶۳۱ به تاریخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۸ بیان داشته است: «... هریک از اشخاص حقوقی، دارای کد اقتصادی عدد ۱۱ رقمی هستند، شناسه ملی محسوب می‌شود که آن هویت اشخاص حقوقی ثبت شده در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، وزارت کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اتاق بازرگانی و... قابل شناسایی خواهد بود و برای تمام اشخاص حقوقی اعم از بانک‌ها، دهیاری‌ها، شهرداری‌ها، ادارات دولتی، مدارس و دبیرستان‌ها، شرکت‌های خصوصی، مؤسسات ثبتی یا غیرانتفاعی قابل اخذ است و شماره تلفن ثابت شخص حقوقی و شماره همراه مدیر ثبت می‌شود و شناسه ملی در اشخاص حقوقی همان شماره ملی مدیران مجاز شرکت است و اشخاص مجاز به ورود سامانه حساب کاربری شخص حقوقی مدیر یا نماینده حقوقی‌اند و شخص حقوقی می‌تواند اشخاص مجاز دیگری به آن اضافه کند و کد امنیتی برای تلفن همراه مدیر یا مشاور حقوقی و اشخاص مجاز ارسال می‌شود»<sup>۱</sup>. دستورالعمل مذکور خالی از ایراد نیست، زیرا ابلاغ به اشخاص مزبور متکی به تجهیزات شخصی مدیران است و از این حیث مغایر قانون آیین دادرسی مدنی است.

از سوی دیگر، مطابق آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، این اشخاص مکلف به مشاهده سامانه ابلاغ و حساب کاربری خویش هستند. همواره زمان درج موضوع ابلاغ در سامانه و مشاهده آن، از لحاظ زمانی دارای اختلاف است، چون با مشاهده پیامک در تلفن همراه، مشاهده موضوع ابلاغ تلقی نمی‌شود؛ بلکه اگر ابلاغ‌شونده از طریق اینترنت وارد سامانه ابلاغ شود، مشاهده ابلاغ محسوب می‌شود. در خصوص تاریخ ابلاغ، چهار زمان متصور است: ۱. زمان درج در سامانه، ۲. زمان مشاهده در سامانه، ۳. زمان ارسال پیامک و ۴. زمان تحویل پیامک. از نظر آیین‌نامه، زمانی ابلاغ صورت می‌گیرد که در سامانه درج شده باشد و مشاهده سامانه تعیین‌کننده کیفیت ابلاغ است. اخذ شماره تلفن همراه در زمان ثبت ثنا صرفاً برای تأیید هویت و ارسال رمز موقت و دائمی ثنا و اطلاع ابلاغ‌شونده از موضوع ابلاغ است.

اشکال دیگر ابلاغ از طریق سامانه این است که داده‌پیام نه‌تنها در اوقات اداری، بلکه در طول بیست‌وچهار ساعت برای اشخاص اخطاریه ارسال می‌شود. حال با توجه به اینکه طبق قانون روز ابلاغ و زمان اقدام جزء مواعد محسوب نمی‌شود و داده‌پیام نیز در لحظات آخر روز واصل شود، نه‌تنها موجب سلب آرامش ابلاغ‌شونده می‌شود، بلکه فقط ۱۰ روز فرصت رفع نقص دارد که در فرض مذکور روز ابلاغ دادگستری تعطیل است (محسنی، ۱۳۹۱: ۱۳۰) که عملاً

۱. درگاه خدمات الکترونیک قوه قضاییه، پیشین.

روز ابلاغ از ایشان سلب شده است. از این رو پیشنهاد می‌شود تا از ابلاغ الکترونیکی در غیر ساعات اداری و روزهای تعطیل خودداری شود.

#### ۳.۴. دشواری‌های انتشار آگهی الکترونیکی

به موجب ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی در هر مورد که هزینه نشر آگهی ظرف یک ماه از تاریخ اخطاریه دفتر تأدیه نشود، دادخواست توسط دفتر رد خواهد شد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در دادگاه است، جز در مواردی که خواهان دادخواست اعسار از هزینه دادرسی تقدیم کرده باشد که در این صورت مدت یک ماه یادشده، از تاریخ ابلاغ دادنامه رد اعسار به نامبرده محسوب خواهد شد. مواردی که هزینه انتشار آگهی ضروری است، همان مواردی است که در قانون مقرر شده یا اشخاص ذی‌نفع از طریق آگهی دعوت می‌شوند (مهجری، ۱۳۷۹: ۱۰۵). ماده ۱۶ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و تبصره ۲ آن بیان می‌دارد: «در صورت مجهول‌المکان بودن مخاطب و عدم دسترسی به حساب کاربری، ابلاغ اوراق قضایی از طریق آگهی در سامانه ابلاغ<sup>۱</sup> و یکی از روزنامه‌های الکترونیکی کثیرالانتشار به تشخیص مرکز انجام شود...». نظر به ایجاد سامانه آگهی‌ها و همچنین درج آنها در روزنامه رسمی الکترونیکی، تمامی آگهی‌های اعلامی صادره به صورت الکترونیکی انتشار می‌یابد و نتیجه به رؤیت شعبه صادرکننده خواهد رسید. وقتی که خواننده یا خواندگان مجهول‌المکان باشند، با انتخاب گزینه قسمت «سامانه آگهی الکترونیک و روزنامه رسمی» موضوع ابلاغ ارسال می‌شود و از تاریخ ارسال، تاریخ انتشار در روزنامه و تاریخ ابلاغ محسوب می‌شود. در این نحوه ابلاغ ایراداتی به شرح ذیل قابل ذکر است:

۱. نشر آگهی الکترونیکی در قانون پیش‌بینی نشده است و آحاد جامعه از چنین روزنامه‌های الکترونیکی ناآشنا و برخوردار نیستند و این مشکل در موردی که طرف ابلاغ شخص بی‌سواد باشد، قابل تأمل‌تر است.
۲. انتشار در روزنامه رسمی صورت می‌گیرد نه روزنامه کثیرالانتشار که الزام اشخاص فاقد ثبت ثنا و فاقد پرونده در مراجع قضایی به بررسی مستمر سامانه روزنامه رسمی در قسمت ابلاغ اوراق قضایی، منطقی به نظر نمی‌رسد و حتی ابلاغ از طریق روزنامه کثیرالانتشار مقرر در ماده ۱۶ آیین‌نامه صورت نمی‌گیرد.

۱. بند «ح» ماده ۱ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی بیان داشته که سامانه ابلاغ، سامانه‌های الکترونیکی است که بر بستر شبکه قابل دسترسی و استفاده برای طرفین دعوا یا نماینده قانونی آنان، دفاتر خدمات قضایی، کارشناسان، ضابطان قضایی و سایر اشخاص مرتبط جهت ابلاغ اوراق قضایی و نشر آگهی به صورت الکترونیکی است.

۳. مطابق ماده ۱۱۸ قانون اجرای احکام مدنی نشر آگهی فروش در روزنامه محلی انتشار می‌یابد و اما معاونت آمار و فناوری اطلاعات دادگستری کل استان مازندران در نامه شماره ۲۶۲۴/۶۳۱ به تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۹ به تبع کمیته راهبردی سامانه‌های قضایی بیان داشته است: «عبارت روزنامه در ماده مرقوم خصوصیتی نداشته و هدف قانونگذار اطلاع‌رسانی به مردم آن محل بوده که انتشار الکترونیک آگهی همین هدف را تأمین می‌نماید. آنچه عمومیت دارد و منظور در تبصره ۲ ماده ۱۶ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی است تمام آگهی‌های قانونی است که از طریق روزنامه رسمی صورت می‌گیرد»<sup>۱</sup>. بنابراین آگهی موضوع ماده ۱۱۸ قانون مزبور نیز مستلزم نشر آگهی الکترونیکی است. استدلال کمیته راهبردی خالی از اشکال نیست، چراکه انتخاب روزنامه محلی با وجود روزنامه کثیرالانتشار از نظر قانونگذار دارای خصوصیتی است که در این مقرر نادیده گرفته شد.

۴. مطابق مواد ۸۲ و ۸۳ ق.آ.د.م با وصول نسخه ثانی ابلاغ و ضم آن در پرونده موجب می‌شود تا دادرس دادگاه بر نحوه ابلاغ نظارت داشته باشد و در صورت رعایت نکردن قانون در ابلاغ یا عدم اطلاع ابلاغ‌شونده از مفاد آن می‌تواند ابلاغیه را باطل اعلام کند، ولی چنین نظارتی از سوی قاضی بر مأموران ابلاغ سلب شده و نظارت بر آنان بر عهده کارکنان اداری در زمان درج مفاد ابلاغ‌نامه در سامانه قرار داده شده که قانوناً صلاحیت چنین کاری را ندارند. اکنون هم با وجود ماده ۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی و نیز مطابق اصل ۱۷۰ قانون اساسی تمامی مواد آیین‌نامه که مخالف قانون است، نمی‌تواند برای قاضی محدودیت ایجاد کند. در غیر این صورت بر حقوق اصحاب دعوا خدشه وارد خواهد شد.

#### ۴. چالش‌های حاکم بر رسیدگی الکترونیکی دعوا

مطابق ماده ۶۵۹ آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، به‌کارگیری سامانه‌های ویدئوکنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباط الکترونیکی به‌منظور تحقیق از اصحاب دعوا، اخذ شهادت شهود و ... مورد پذیرش قرار گرفته است که رعایت نکردن اصول دادرسی، مقررات شهادت شهود و چگونگی ارائه اصول اسناد، از جمله مشکلات رسیدگی به این شیوه است که به تفکیک بررسی خواهند شد.

۱. درگاه خدمات الکترونیک قوه قضاییه، پیشین.

#### ۴.۱. رعایت نکردن اصول دادرسی در تحقیق از اصحاب دعوا

اصول دادرسی به‌حدی اهمیت دارند که واقعیت حیات دادرسی را هدایت می‌کنند (Vincent, 2003: 483). یکی از علل تشکیل جلسه دادرسی رعایت اصل تناظر است. توافقی بودن به معنای مرافعه طرفین در حضور قاضی بی‌طرف است (مؤذن‌زادگان و روستا، ۱۳۹۶: ۱۷۸) تا با درک فضای دادرسی برای قاضی دادگاه و اصحاب دعوا و نیز پرسش و پاسخ‌های حضوری، مسیر کشف حقیقت کمی هموار شود. وقتی جلسه دادرسی در فضای مجازی مثل ویدئوکنفرانس صورت گیرد و اصحاب دعوا در دادگاه حاضر نشوند و صرفاً درصدد پاسخ به دادگاه یا طرف مقابل باشند، مراد مقنن که دادرسی عادلانه است، در چنین دادرسی‌ای حاصل نمی‌شود. استفاده صرف از دادرسی الکترونیکی و مبادله نظرها از طریق داده‌پیام نمی‌تواند جایگزین مراجعه حضوری طرفین و گفت‌وگوی رودررو و تأثیر متقابل (بین اصحاب دعوا از یک سو و بین اصحاب دعوا و قاضی از سوی دیگر) شود و شرایط لازم را برای علم قاضی و نیز سازش فراهم کند. مطابق ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی حل‌وفصل خصومت که یکی از مصادیق آن سازش میان اصحاب دعواست، نیز پیش‌بینی شده است. از آنجا که سازش امر اختیاری از سوی طرفین پرونده است، بدیهی است متقاعد کردن اصحاب دعوا، به‌صورت حضوری دست‌یافتنی‌تر است. اختیاری بودن دادرسی الکترونیکی با حقوق اصحاب دعوا سازگارتر است، زیرا اجرای دادرسی الکترونیکی به‌دلیل نبود امکانات الکترونیکی و اینترنتی در مناطق مختلف و برخوردار نبودن یکسان از آنان به لحاظ توان اقتصادی اشخاص و سواد بهره‌مندی از آنان، موجب می‌شود تا اصل عدم تبعیض و برابری اصحاب دعوا رعایت نشود. ازاین‌رو کشورهای فرانسه، ایتالیا، آلمان، ایالات متحده آمریکا و انگلستان بر ماهیت اختیاری بودن استفاده از دادرسی الکترونیکی گرایش دارند (Gascon, 2010: 55). ازاین‌رو رویکرد اختیاری اجرای دادرسی الکترونیکی در نظام حقوقی ایران با الگوگیری از کشورهای پیشرفته مذکور توصیه می‌شود یا حداقل همانند انگلستان در برخی دعاوی مانند دعاوی تجاری بزرگ از دادگاه الکترونیک استفاده شود (بهریو و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۰) و اجرای آن در برخی دعاوی مانند دعاوی خانوادگی از شیوه اختیاری همراه با سازوکار سخت‌گیرانه‌تری استفاده شود.

دادرسی الکترونیکی می‌تواند اعتبار اصل علنی بودن رسیدگی را نیز مخدوش کند، زیرا اصولاً در دادرسی غیرالکترونیکی افراد خارج از پرونده می‌توانند در دادگاه حضور یابند و شاهد و ناظر محاکمه باشند. ولی در مقررات و رویه دادرسی الکترونیکی فعلی، صرفاً اصحاب دعوا و وکلا و نمایندگان آنها می‌توانند از طریق رمز در نظر گرفته‌شده در دادرسی شرکت کنند که فراهم ساختن بستر قانونی و الکترونیکی لازم به‌منظور حفظ اصل علنی بودن دادرسی ضروری به‌نظر می‌رسد. تأثیر ناخوشایند دیگری که در این روش مورد توجه است، تضعیف

تجربه و مهارت نیروی قضایی است. در واقع دادرسی الکترونیکی تجربه فنی را در برابر تجربه قضایی قرار می‌دهد که اولی برای تسریع در کارها، ولی دومی برای اجرای عدالت و برقراری توازن میان حقوق طرفین لازم است.

#### ۴.۲. رعایت نکردن مقررات شهادت شهود

اولین گام در اخذ گواهی، احراز هویت گواه است که این امر نیز مانند احراز هویت خواهان و خوانده سازوکار مطمئنی ندارد و همواره از مشکلات محاکم در اجرای دادرسی الکترونیکی است. علاوه بر اینکه شاهد باید دارای شرایط ماهوی مندرج در قانون مدنی باشد، لزوم حضور شاهد در دادگاه را موادی مانند ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۶ و... ق.آ.د. م. بیان می‌دارد تا ادای گواهی در نزد دادرس باشد (السان، ۱۳۹۶: ۱۱۵). وفق ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی به تمامی ادله در دادگاه به عمل خواهد آمد و حتی بعضی حقوقدانان در انتقاد به نیابت قضایی بیان داشتند که دادگاه حاکم نمی‌تواند با گواهان مستقیماً تماس داشته باشد و در نتیجه احساسات و تمایلات گواهان را از نزدیک درک کند و به خوبی به حقیقت مسئله پی ببرد و صرف قرائت صورت‌مجلس تنظیمی توسط دادگاه نایب نیز، ممکن است نظر دادگاه حاکم را به قدر کافی تأمین نکند. حاضر شدن شاهد نزد قاضی به خصوص وقتی که گواهی گواه تنها دلیل پرونده باشد، ضروری و جزء حقوق مسلم اصحاب دعوا تلقی می‌شود. از این حیث ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: «به‌کارگیری سامانه‌های ویدئوکنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود...» آیا به معنای تجویز عدم حضور گواه در نزد دادگاه است یا منظور از حضور در نزد دادگاه، مسافت یا فاصله فیزیکی گواهان با دادگاه ملاک نیست و اگر حضور در نزد قاضی از ضروریات استماع گواهی گواهان نباشد، چگونه قاضی می‌تواند مطابق ماده ۲۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی گواهان را سوگند دهد یا اگر رفتار گواه در زمان ادای گواهی برای قاضی دادگاه ملاک نباشد، چگونه در راستای ماده ۲۴۱ همان قانون میزان ارزش و تأثیر گواهی را درک می‌کند. ایجاد فضای دادگاه خود موجب تقویت حس عدالت‌جویی و صداقت گواه می‌شود و در غیر این صورت اگر گواه در هر حالتی صرفاً با حفظ ظاهر در ارتباطات الکترونیکی حاضر شود، موجب عدم رعایت شأن قضا شده و اصحاب دعوا نمی‌توانند با نتیجه حاصل از اصل تناظر، گواه را مورد استجاب قرار دهند و همین قضیه در اتیان سوگند تکمیلی گواهی حسب ذیل ماده ۲۳۰ قانون مرقوم مطرح است. در مورد رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود که اگر استماع گواهی به صورت الکترونیکی افتاح وجدانی برای دادگاه در پی نداشته باشد، به دادگاه اختیارات قانونی لازم به منظور استماع گواهی به صورت حضوری با ذکر دلایل آن داده شود.

### ۴.۳. چگونگی ارائه اصول اسناد

به موجب ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی، اصول مستندات باید در اولین جلسه دادرسی به همراه اصحاب دعوا باشد، اعم از اینکه خواهان دلایل خویش را در دادخواست قید کرده باشد یا خوانده در مقام دفاع ابراز کند. اگر سند مورد اظهار انکار و تردید یا ادعای جعل قرار گیرد، جلسه تطبیق تصاویر اسناد طرف مقابل با اصول اسناد در نزد قاضی دادگاه است و این از حقوق مسلم طرفین دعواست. حال اگر جلسه دادرسی الکترونیکی مطابق ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: «به‌کارگیری سامانه‌های ویدئوکنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به‌منظور تحقیق از اصحاب دعوا، اخذ شهادت شهود یا نظرهای کارشناسی در صورتی مجاز است که احراز هویت، اعتبار اظهارات فرد موردنظر و ثبت مطمئن سوابق صورت پذیرد». تشکیل جلسه تطبیق اوراق و نحوه آن چگونه است؟ در دادرسی الکترونیکی ملاحظه اسناد و تطبیق آن ممکن نیست، زیرا با اصول اسناد از نزدیک برای رؤیت در اختیار متقاضی قرار داده نمی‌شود و ارائه اصول آن از طریق تصاویر ویدئوکنفرانس یا سایر وسایل ارتباط الکترونیکی نوعی مشاهده از روی بدل یا تصویر آن است نه اصل آن، که این امر کمکی به تطبیق اسناد نمی‌کند. بنابراین اصحاب دعوا از این اصل اولیه دادرسی باز می‌مانند. در این خصوص با استفاده از مقررات کشور فرانسه پیشنهاد می‌شود به‌منظور حفظ حقوق اصحاب دعوا در اولین جلسه دادرسی، اصول مستندات پیش از جلسه رسیدگی در اختیار محکمه قرار گیرد تا در صورت ایراد به اصالت سند یا درخواست ملاحظه اصل آن از سوی ذی‌نفع، ارائه شود. در فرانسه مطابق بند ۲ ماده ۵ آیین‌نامه در خصوص تجزیه و تسلیم و انتقال دادخواست‌ها، لوایح و ابلاغ تصمیمات از طریق الکترونیک مصوب ۲۰۰۵ و اصلاحات بعدی آن، دادخواست‌ها و لوایح ارسالی به دادگاه از طریق الکترونیک توسط طرفین یا وکلای آنها مطابق اصول پیش‌بینی‌شده در بخشنامه مذکور در بند ۲ ماده مزبور توسط مسئولان مربوطه گواهی می‌شوند و این گواهی در حکم امضا در اجرای قانون دادگستری اداری است که در هر حال بند ۲ ماده ۵ بیان کرده که شورای اداری یا رئیس دادگاه می‌تواند از شخص ذی‌نفع اصل اسناد موردنظر را مطالبه کند (وحدتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۶).

### ۵. نتیجه

چالش‌های دادرسی عادلانه و حفظ حقوق اصحاب دعوا در دادرسی الکترونیکی شامل طرح دعوا (دادخواست، منضمات، هزینه دادرسی، ارسال دادخواست با مراجع قضایی)، چالش‌های مربوط به ابلاغ (نحوه ابلاغ الکترونیکی، و مشکلات حاکم بر ابلاغ واقعی) و چالش‌های مربوط به رسیدگی الکترونیکی دعوا (رعایت نکردن اصول دادرسی در تحقیق از اصحاب

دعوا، عدم رعایت مقررات شهادت شهود، ارائه اصول) است. در نگاه کلی باید گفت دادرسی الکترونیکی دارای مزایای انکارناپذیری است، مانند منتفی شدن تبانی در امر ابلاغ، تهیه و ارسال بسیاری از سوابق بدون مراجعه به دادگاه و مهم‌تر اینکه در وقت نیز صرفه‌جویی خواهد شد. مشکلات عدیده‌ای نیز برای اصحاب دعوا به‌همراه دارد که نه مبتنی بر قانونی صحیح است و نه بستر انجام این شیوه مهیاست. در واقع کاهش هزینه دولت در برابر تحمیل آن بر اشخاص، بیشتر از تأمین منافع و مصالح اصحاب دعوا مورد توجه قرار گرفته است، زیرا اصحاب دعوا مکلف‌اند دارای خط تلفن همراه و گوشی با قابلیت خاص باشند و به اینترنت وصل شوند و مدام سامانه ثنا را رصد کنند که این کار مستلزم صرف وقت و تحمل هزینه است. از سوی دیگر، اشخاص مکلف‌اند آثار مختلف و پیامد دادرسی الکترونیکی را پذیرا شوند که خوشایندشان نیست، مانند اینکه به دفاتر خدمات قضایی برای اقامه دعوا مراجعه کنند و در چارچوب سامانه تعریف‌شده و بدون قدرت دخل و تصرف تعیین خواسته کنند و در عین حال بسیار هزینه‌های متفاوت و اضافه‌تری پردازند که در دادرسی غیرالکترونیکی ضرورت نداشته است. همچنین فرصت درخواست دادرسی فوری در ایام تعطیل و ساعات غیراداری ممکن نیست یا در اوقاتی از شبانه‌روز که خارج از وقت اداری است، از سوی سامانه مورد ابلاغ قرار می‌گیرند و عملاً روز ابلاغ را از کف خواهند داد. حضوری بودن دادرسی و استماع گواهی گواهان نزد دادگاه به‌منظور نظارت بر ادای صحیح شهادت یا برخورداری از ملاحظه اصول اسناد در جلسه نخستین، هریک از حقوق اصحاب دعوا و زمینه‌ساز دادرسی عادلانه است که با دادرسی الکترونیکی به‌نحو کامل تأمین نخواهد شد. فرانسه که بیش از بیست سال دارای تجربه دادرسی الکترونیکی است، به‌منظور رعایت اعمال دادرسی عادلانه همچنان اختیاری است و از تحمیل روش نوین دادرسی بر اصحاب دعوا امتناع کرده‌اند. تا زمانی که بستر لازم از نظر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی برای یکایک اشخاص مراجعه‌کننده به مرجع قضایی فراهم نشده است، الزامی کردن دادرسی الکترونیکی برای شهروندان که امکانات لازم را ندارند و ایرادات عدیده‌ای که بر این سیستم الکترونیکی از ابعاد مشروحه در مقاله وجود دارد، نه‌تنها تأمین‌کننده حقوق اشخاص در جهت اجرای دادرسی منصفانه تلقی نمی‌شود، بلکه می‌تواند ناقض حقوق آنان محسوب شود. امید است با تدوین قانون خاص و جامع به‌جای آیین‌نامه‌های ناکارآمد یا مواد قانونی کلی در قوانین پراکنده اطمینان لازم در ایجاد بستر مناسب برای الکترونیکی شدن دادرسی فراهم آید تا هیچ حقی از اشخاص زایل نشود و در تحمیل هزینه زائد فاقد مبنای قانونی، بر اشخاص نیز جلوگیری شود.



## بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

## منابع

## الف) فارسی

۱. ابهری، حمید (۱۳۹۶). *آیین دادرسی مدنی ۲ جریان دادرسی: از آغاز تا پایان*، ج اول، تهران: مجد.
۲. ابهری، حمید؛ سام محمدی؛ الهام عادل‌فر (۱۳۹۹). «سیر تاریخی ابلاغ و دادرسی الکترونیکی در ایران»، *مجله تاریخ پزشکی ویژه تاریخ اسلام و ایران*، ص ۱۹۳-۱۷۹. در: <https://doi.org/10.22037/mhj.v12i1.31781> (۱۰ مرداد ۱۳۹۹).
۳. السان، مصطفی (۱۳۹۶). *بایسته‌های اجرایی دادرسی الکترونیک*، همایش بین‌المللی جنبه‌های حقوقی فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران. در: <https://civilica.com/doc/811523T> (۹ مرداد ۱۳۹۹).
۴. بهرامی، بهرام (۱۳۹۲). *آیین دادرسی مدنی ج ۱*، ج دوازدهم، تهران: نگاه بینه.
۵. بهشتی، محمدجواد؛ نادر مردانی (۱۳۸۹). *آیین دادرسی مدنی*، ج چهارم، ج ۱، تهران: میزان.
۶. حیاتی، علی‌عباس (۱۳۹۰). *کلیات آیین دادرسی مدنی*، ج اول، تهران: میزان.
۷. زراعت، عباس؛ مونا استادی؛ فاطمه فلاح‌نژاد (۱۳۹۲). *آیین دادرسی مدنی*، ج ششم، تهران: دانش‌پذیر.
۸. شمس، عبدالله (۱۳۹۸). *آیین دادرسی مدنی*، دوره پیشرفته، ج ۲، ج چهل و دوم، تهران: دراک.
۹. عشق‌پور، منصور؛ نعمت‌اله اکبرپور (۱۳۹۵). «جایگاه دادرسی الکترونیک در حقوق ایران»، *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی*، دوره ۲، ش ۳، ص ۱۴۳-۱۵۸. در: <http://uctjournals.com/farsi/index.php/archive-socials?layout=edit&id=134> (۱۲ مرداد ۱۳۹۹).
۱۰. علیایی زهرآزاده، حسین؛ احمد احمدی، (۱۳۹۷). «دادرسی الکترونیک در حقوق ایران: اهداف، مبانی و ویژگی‌ها»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی و کیفری*، ش ۳۵، ص ۱۱۷-۱۳۶. در: [https://jlap.srbiau.ac.ir/article\\_12664.html](https://jlap.srbiau.ac.ir/article_12664.html) (۱۲ مرداد ۱۳۹۹).
۱۱. محسنی، حسن (۱۳۹۵). *آیین دادرسی مدنی فرانسه*، ج ۱، ج چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۲. ----- (۱۳۸۹). «فن اداره جریان دادرسی مدنی: سازماندهی دادرسی در غالب اصول دادرسی»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۴۰، ش ۴، ص ۳۶۸-۳۵۳. در: [https://jllq.ut.ac.ir/article\\_29558.html](https://jllq.ut.ac.ir/article_29558.html) (۱۳ مرداد ۱۴۰۰).
۱۳. محسنی، حسن؛ همایون رضایی‌نژاد (۱۳۹۱). «دادگستری و پیشرفت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات»، *مجله مطالعه حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۴، ش ۲، ص ۱۱۷-۱۴۲. در: DOI: JLS.2013.1135/1022099
۱۴. موحدیان، غلامرضا (۱۳۹۱). *آیین دادرسی و اجرای احکام مدنی*، ج اول، تهران: فکرسازان.
۱۵. مهاجری، علی (۱۳۹۱). *شرح قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب*، ج ۱، ج اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۶. مهاجری، علی (۱۳۷۸). *رسیدگی‌های خارج از نوبت جلد اول- دعاوی حقوقی*، ج اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۷. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ روستا، نرجس (۱۳۹۶). «دادرسی الکترونیکی در رویارویی با جرائم رایانه‌ای: چالش‌ها و بایسته‌ها»، *مجله حقوقی دادگستری*، ص ۱۹۵-۱۶۹. در: DOI: JLJ.2017.30596/10-22106
۱۸. نوبخت، یوسف (۱۳۹۳). *نگاهی به آیین دادرسی مدنی*، ج اول، تهران: راد نواندیش.
۱۹. ----- (۱۳۹۷). *آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیکی قضایی*، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۹۵۹۷.
۲۰. ----- (۲۰۸۱). *آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران*، شماره ۲۰۸۱۱.

۲۱. وحدتی، مهدی؛ حسین طاهرخانی؛ پرویز ساروایی؛ جمشید نورشیراز (۱۳۹۹). «بررسی چالش‌ها و رفع تعارض مقررات مربوط به دادرسی الکترونیکی در نظام حقوقی ایران با نگرش تطبیقی در حقوق فرانسه»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، ش ۴، ص ۲۷۴-۲۴۱. در: DOI:10.22091/csiw.2020.5070.1707

### (ب) خارجی

22. Gascon Inchausti, Fernando, (2010). *Electronic Service of documents National and International Aspect, In Colloquium of the International Association of Procedural Law m Electronic Justice – Present and Future*, University of Pecs, Faculty of Law Pecs, Hungary.
23. Jean Vincent, Serge Guinchard, (2003). *Procedure Civile*, Paris: Dalloz, 27 ed.
24. Digital Media Law, *seven-years-serving-and-studying-legal-needs-digital-journalism*, available at: [www.dmlp.org](http://www.dmlp.org) (Accessed 3 March 2020).



Research Paper

## Challenges of Implementing e-litigation in Iranian Law with Fair Trial and Litigation Rights

**Esmail Vojdani**

*PhD Student in Faculty of Law, and Political Science at Azad University, Sari*

**Sam Mohammadi\***

*Professor, Faculty of Law and Political Science at University of Mazandaran*

**Seyyed Hasan Hosseini Moghaddam**

*Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science at University of Mazandaran*

### Abstract

Rules of procedure, contrary to the substantive laws, are subject to change based on the requirements of time and place and the conditions of, and facilities available to, the society, and with the growth of technology. Therefore, despite that the *Civil Procedure Code* currently in effect has been enacted as early as in 2000, the legislature and consequently the judiciary, due to the inefficiency of that law, has sought to change it to reduce the excessive costs of litigation for individuals and the judiciary and minimize the procrastination. These efforts are crystallized in the *Judicial Case Management system*, resulting in the removal of redundant formalities from the proceedings and demonstrating itself in two main patterns, *legal deregulation* and *material deregulation*. Relying on modern technologies, the latter pattern consists in moving litigations away from the traditional manpower-based form it used to have.

Although a comprehensive law on e-litigation has not yet been enacted, many of the rules of litigation are now processed electronically. This article argues, in response to this situation, that what is becoming electronic is litigations, the very right of individuals to access justice which is enshrined in the Iranian Constitution. Therefore, the major basis of the system should be the law, rather than the information technology and the abilities of

\* Corresponding Author

Received :6 February 2021 , Accepted: 6 September 2021

Email: sammhmd@yahoo.com

©University of Tehran

engineers. The judiciary, in its very rapid advancing in the electronization of proceedings, has simply set aside some of the encumbering rules without replacing them by new lawmaking to address the problems in a more informed way. In some cases, instead of providing electronic services, this system decides in place of court judges, clerk or others involved in the lawsuits, neglects the application of the principles of proceedings that are meant to guarantee the acquired rights of individuals, and deviates from the purpose of assisting the proceedings. The litigants have no say whether the litigation is to be performed electronically. The optional e-litigation procedure is applied in the courts of France, and the choice of e-litigation or electronic information exchange in that country must be based on the litigants' consent, which they even have the right to retract. The *Judicial Case Management system* should thus be designed in such a way that neither ignores the regulations nor allows electronic services beyond the law to be introduced in the litigation. In other words, since the litigation is the core of this system, it is not justified to subject the procedures to inefficient changes without necessity. Accordingly, the most important challenges in e-litigation will be criticized in this article and the effects of e-litigation in providing a fair trial and securing the rights of litigants will be explored by examining relevant rules and procedures.

The present article has been written in a descriptive-analytical method using library studies and a deductive method, to address the challenges and concerns in this field.

The actual notification is one in which the form of notification is delivered to the addressee's own, if the addressee is a natural person, or to a person authorized to obtain judicial documents, if the addressee is a legal entity, in accordance with procedural rules, by the officer legally responsible for the execution of the notification, in exchange for a receipt, and the process is reported to the court office. In electronic proceedings, according to Article 13 of the *Regulations on the Use of Computer and Telecommunication Systems* and Article 8 of the *Regulations on the Provision of Electronic Judicial Services*, electronic receipt of judicial papers to the addressee's account in the notification system is deemed as valid actual notification. The fact that the notification is seen by the addressee, along with its time and other details, is recorded and stored in the notification system, and will be given all the effects of the actual notification. Logging in to the notification system through the user account and viewing the papers in this way is considered a receipt.

The present study seeks to answer the question whether, assuming the enactment of comprehensive rules of electronic procedure, all the stages of the proceedings could be implemented electronically, and how this method of litigation could ensure the rights of litigants, in spite of all challenges it is faced with. The article argues, in response to this question, that what is becoming electronic is litigations, the very right of individuals to access

justice which is enshrined in the Constitution. Therefore, the major basis of the system should be the law, rather than the information technology and the abilities of engineers.

E-litigation has undeniable benefits, such as the elimination of collusion between litigants and the notification officers, the capability of preparing and sending several records without going to court and, more importantly, the time efficiency. It has also several drawbacks for litigants as this practice is neither based on sufficient legal materials nor supported by enough technical infrastructure. It thus seems that it was the reduction of government costs rather than securing the interests of litigants that has motivated the project. As far as litigants are concerned, they will be forced to have a mobile phone line and a phone with special capabilities, to be connected to the internet, and to constantly monitor the *Judicial Electronic Registration system*, which demands time and expense. On the other hand, individuals will be obliged to accept various undesirable effects and consequences of e-litigation, such as going to the offices of the Judiciary to file lawsuits, to be confined in describing their claims to the precomposed clauses of electronic forms without much power to alter them, and at the same time to pay many different and additional costs that were not necessary in non-electronic proceedings. Also, one cannot request an immediate hearing during holidays or in non-office hours, and may be notified by the system at times of the day that are outside office hours, so he will miss, in practice, the day of notification. Finally, considering that many citizens do not have the necessary facilities for e-litigation and many other drawbacks of this electronic system, it not only does not guarantee the rights of individuals to a fair trial, but can also be considered a violation of their rights.

**Key Words:** E-litigation, Legal Challenges, Optional E-Litigation, Fair Judgement.

#### **Declaration of conflicting interests**

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

#### **Funding**

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

**ORCID iDs:** <https://orcid.org/0000-0001-5064-3096>



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.